مجله منظر، ۱۰ (۴۲) : ۲۲- ۳۱/ خرداد ۱۳۹۷
DOI: 10.22034/manzar.2018.63127

تحولات نورپردازی شهری
از تأمین روشنایی تا خلق متن هنری

پدیده عادلوند*[۱]

۱. گروه علوم و تاریخ هنر، پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۰ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۷/۳/۱

چکیده | امروز نور به عنوان عنصر غیر کالبدی منظر شهری نقش به سزایی در تداوم حیات شهرنشینی شهروندان در شب و شکل‌گیری منظر شبانه شهر ایفا می‌کند. نورپردازی شهری در کشورهای توسعه‌یافته به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای حوزه‌های فنی، مهندسی، علوم انسانی و هنر مطرح است که همکاری‌های توأمان متخصصان را طلب می‌کند.

شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و ارتقای سطح کیفی آنها مقوله‌ای است که در جوامع مدنی بسیار بدان پرداخته می‌شود. از آنجا که نورپردازی شهری اقدام ویژه‌ای جهت تسهیل تداوم حیات جمعی در زندگی شبانه شهرهاست ضروری به نظر می‌رسد به این مقوله توجه بیشتری شود؛ چنانکه کشورهای توسعه‌یافته از پتانسیل‌های آن بهره‌مند شده‌اند.

این مقاله بر این اعتقاد است مقوله نور در شهر از بدو ورود تا دوران جدید در دنیا تحولاتی چشمگیر را طی کرده است که براساس اهداف شکل‌گیری و نقش شهروندان به عنوان مخاطبان هدف می‌توان آن را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱) عملکردی: تأمین روشنایی ۲) تزیین‌گرایی و نمادسازی ۳) خلق اثر هنری ۴) خلق متن هنری. همچنین نقش شهروندان به عنوان مخاطبان هدف از مصرف‌کننده و تماشاگر منفعل به تولیدکننده، بازیگر و کاربر فعال ارتقا یافته است. بنابراین می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که پتاسیل‌های نورپردازی شهری از یک مقوله صرفاً عملکردی به یک هنر تعاملی که امکان برآورده ساختن تعاملات اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین هدف شهرنشینی را برعهده دارد، ارتقا یافته است. ضرورت این مقاله جلب توجه مدیران، متخصصان و هنرمندان کشور به این حوزه نوین است تا با بهره‌مندی از پتانسیل‌های تعریف‌شده در تجربیات جهانی بتوان به ارتقای سطح کیفی منظر شبانه شهرهایمان با توسل به رویکردهای زیباشناسانه و هنرمندانه همت گماشت و روابط و تعاملات اجتماعی گسسته شده از دوران مدرن را بازیابی کرد و به منظر سلامت شهرهایمان قوام بخشید.

واژگان کلیدی | *نورپردازی شهری، اثر هنری، متن هنری، مخاطب، تعاملات اجتماعی.*

مقدمه | پدیده شهر به عنوان مدنی‌ترین دستاورد انسان مقوله‌ای است که به دنبال هدف اصلی تأمین زندگی اجتماعی انسان‌ها شکل گرفته است. در قرون اخیر الزامات شهرها به این سو جهت‌گیری کرده است که زندگی شهرنشینی تنها مختص به حیات شهر در روز نباشد و زندگی و فعالیت اجتماعی در شب نیز ادامه پیدا کند. در این راستا نورپردازی اقدام ویژه‌ای است که موجبات تحقق این امر را بسترسازی می‌کند. از آنجا که در کشورهای توسعه‌یافته نورپردازی شهری دانشی میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود و موفقیت خود را در گروی همکاری توأمان متخصصان، مهندسان، طراحان و هنرمندان می‌داند، این

*ایمیل نویسنده مسئول : padideh_adelvand@yahoo.com
شماره تماس : ۰۹۱۲۲۱۵۱۴۰۵

مقالـه سـعی دارد توجـه مدیـران و دسـتاندرکاران ایـن حـوزه از کشـورمان را بـه اهمیـت موضـوع جلـب نمایـد و تـا حـدی از جایـگاه امـروز ایـن مقولـه نیـز مطلـع سـازد.

بـا توجـه بـه اینکـه امـروز در شـهرهای دنیـا تـداوم حیـات کیفی شـهر در شـب و ترغیـب مـردم بـه حضـور در فضاهـای شـهری بـه عنـوان دغدغـه‌ای مهـم مطـرح اسـت، ایـن پرسـش اصلـی مطـرح می‌شـود کـه نورپـردازی شـهری بـه عنـوان یـک اقـدام راهبـردی از ابتـدا تـا بـه امـروز بـا تأکیـد بـر جایـگاه شـهروندان بـه عنـوان مخاطبـان هـدف، چـه رونـدی را طی کـرده اسـت؟ در راسـتای پاسـخ‌گویی بـه ایـن پرسـش مقالـه قصـد دارد بـا تکیـه بـر اسـناد و گزارشـات مکتـوب و رویکـرد توصیفـی ـ تحلیلـی یک طبقه‌بنـدی مجمـل از ایـن رونـد بـا تأکیـد بـر سـنجه مطروحـه ارایـه دهـد کـه تاکنـون در مقـالات و منابـع مکتـوب بـدان پرداختـه نشـده اسـت.

فرضیه

نورپـردازی شـهری رویکـردی تکاملـی را در راسـتای تأمیـن حیـات اجتماعـی، از عملکـردی صـرف تـا تبدیـل بـه یـک متـن هنـری، طـی کـرده اسـت و شـهروندان بـه عنـوان مخاطبـان هـدف نقشـی از مصرف‌کننـده تـا تولیدکننـده را برعهـده داشـته‌اند.

پیشینه تحقیق

نورپـردازی شـهری در محافـل دانشـگاهی ایـران دانشـی نویـن اسـت کـه بسـیار معـدود بـه آن پرداختـه شـده اسـت. بـا بررسـی منابـع موجـود در خصـوص جایـگاه آن در میـان حرفه‌منـدان و متخصصـان گمـان مـی‌رود بیشـتر مباحـث آن دغدغـه طراحـان شـهری، متخصصـان منظـر و سـازمان‌ها و نهادهـای متولـی ایـن مقولـه در شـهر اسـت. بـا علـم براینکـه امـروز در دنیـای جدیـد ایـن مقولـه دانشـی بین‌رشـته‌ای تلقـی می‌شـود و همـکاری توأمـان مهندسـان، شهرسـازان، معمـاران، طراحـان و هنرمندان را طلـب می‌کنـد، لـذا ضـرورت ایـن مقالـه از ایـن منظـر احسـاس می‌شـود کـه توجـه هنرمنـدان و پژوهشـگران را بـه ایـن مقولـه جدیـد جلـب کنـد.

بـا رجـوع بـه منابـع موجـود در ایـران، دسـتاوردهای پژوهشـی را بـه صـورت عمـده می‌تـوان بـه مجموعـه مقـالات نخسـتین همایـش و نمایشـگاه بین‌المللـی نورپـردازی شـهری (۱۳۸۷)، ویژه‌نامـه نورپـردازی شـهر (مجلـه علمـی- ترویجـی منظـر، ۱۳۹۱) و آثـار پژوهشـی سـازمان زیباسـازی شـهر تهـران از جملـه کتابچه‌هـای دانـش زیباسـازی تحـت عناویـن نورپـردازی میـدان (۱۳۹۲)، طـرح پژوهشـی تعییـن معیارهـای مطلوبیـت نماهـای شـهری در منظـر شـبانه شـهر تهـران (۱۳۹۲) و ترجمـه کتـاب نورپـردازی نواحـی شـهری (۱۳۹۲) نـگارش «کریسـتافان سـانتن» اشـاره کـرد. بـه طـور کلـی تمامـی ایـن منابـع بـه مقولـه نورپـردازی شـهری از دیـد طراحـان شـهری و منظـر پرداخته‌انـد کـه در بخـش جایـگاه نورپـردازی شـهری بـه دسـتاوردهای آنهـا اشـاره می‌شـود.

تحولات نورپردازی شهری

پژوهش‌هـای موجـود مـورد بررسـی ایـن مقالـه، نورپـردازی شـهری را براسـاس معیارهـای مختلـف طبقه‌بنـدی می‌کننـد؛ یـا براسـاس اهـداف کارکـردی: ۱) روشـنایی ۲) امنیتـی ۳) تفریحـی ۴) زیبایی‌شناسـانه: شـامل زیباسـازی فضـای بیرونـی ابنیـه، عناصـر شـهری ۵) کارکـرد فرهنگـی: یکـی از فعالیت‌هـای فرهنگـی در عرصـه معمـاری و شهرسـازی جلـب توجـه نسـبت بـه فضاهـای تاریخـی و آیینـی از طریـق نورپـردازی آنهـا در شـب اسـت ۶) کارکـرد بازرگانـی – تبلیغاتـی و ۷) کارکـرد آیینی (سـلطان‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۳)، براسـاس اهـداف معنایـی آن: هویتـی، عملکـردی و زیبایـی (دایـم و موقـت) (رسـتاک پویـا طـرح (۹)، ۱۳۸۸ بـه نقـل از سـوری، ۱۳۹۳: ۲۰) و یـا براسـاس تأثیـرات و کیفیـات آن: ۱) ارتقـای کیفیـت محیـط (ایمنـی و امنیـت، خوانایـی، سـرزندگی، کارایـی انـرژی، حـس زمـان، هویـت و شـخصیت) ۲) برقـراری عدالـت اجتماعـی ۳) بهره‌گیـری از اثـرات روانـی نـور ۴) ارزش افـزوده اقتصـادی بـرای شـهر ۵) احیـای زندگـی شـبانه: شـهر ۲۴ سـاعته (پاکـزاد و سـوری،۱۳۹۱: ۳۹-۳۷). لازم بـه ذکـر اسـت ایـن دسـته‌بندی‌ها عمدتـاً توسـط شهرسـازان و طراحـان شـهری صـورت گرفته‌انـد.

ایـن مقالـه نیـز بـرای اولین‌بـار از خـلال منابـع و تجربیـات موجـود تقسـیم‌بندی چهارگانـه‌ای از تکامـل نورپـردازی شـهری براسـاس اهـداف شـکل‌گیری پیشـنهاد می‌کنـد :

۱) عملکـردی : تأمیـن روشـنایی ۲) تزییـن و نمادسـازی ۳) خلق اثـر هنـری ۴) خلـق متـن هنـری؛ تمرکـز ایـن مقالـه بیشـتر بـر گـروه ۳ و ۴ اسـت کـه وارد مقولـه هنـر می‌شـود و متأسـفانه در کشـورمان از پتانسـیل آنهـا بهره‌منـد نیسـتیم.

• عملکردی : تأمین روشنایی[1]

در طـول تاریـخ نورپـردازی شـهری بـا اولیـن اقدامـی کـه مواجـه می‌شـویم مربـوط بـه تأمیـن روشـنایی عمومـی بـرای دیده‌شـدن عناصـر موجـود در فضـا جهـت اطمینـان از حـس امنیـت و افزایـش نظـارت عمومـی در جهـت کاهـش جـرم، جهت‌یابـی، تشـخیص چهـره افـراد و دیـدن دیگـر شـهروندان در فضـای عمومـی اسـت. احسـاس ایمنـی و امنیـت بـه لحـاظ روانـی امکانـی بـه شـهروند می‌دهـد کـه منجـر بـه حضـور دایمـی او در فضـا می‌شـود. همچنیـن روشـنایی بـه ادراک مـا از فضـا و خوانایـی آن نیـز کمـک می‌کنـد.

منظـور از خوانایـی در بافت‌هـای شـهری آن اسـت کـه بتـوان اجـزای بافـت را شـناخت و آنهـا را در ذهـن، در قالبـی بـه هـم پیوسـته بـه یکدیگـر ارتبـاط داد. در ایـن رویکـرد هـدف از تأمیـن روشـنایی عمومـی خلـق یـک عنصـر زیبایی‌شناسـانه نیسـت، بلکـه صرفـاً اقدامـی عملکـردی اسـت (نـک. سـانتن، ۱۳۹۳) و شـهروندان بـه عنـوان مخاطبـان ایـن اقـدام تنهـا مصرف‌کننـدگان منفعلـی هسـتند کـه در چگونگـی و کیفیـت آن نقشـی ندارنـد.

عـلاوه بـر ایـن بـه مقولـه روشـنایی «صرفـاً بـه عنـوان حرفـه‌ای مهندسـی نگریسـته شـده کـه بـه دسـت مهندسـان بـرق و روشـنایی سـپرده می‌شـود» (پاکـزاد و سـوری،۱۳۹۱: ۱).

•تزیین و نمادسازی

در ایـن گـروه، نورپـردازی از یـک اقـدام عملکـردی صـرف وارد حـوزه هویتـی می‌شـود و توجـه خـود را بـه عناصـر کالبـدی تشـکیل‌دهنده شـهر همچـون خیابـان، میـدان و بنـا جلـب می‌کنـد. در ایـن رویکـرد نورپـردازی سـخت‌فضاهایی چـون سـاختمان‌ها، بناهـای تاریخـی، پل‌هـا و آب‌نماهـا و جاذبه‌هـای شـهری مـورد اهمیـت بیشـتری قـرار می‌گیـرد و در زیبایـی محیـط شـهری نقش‌آفرینـی می‌کنـد.

در حقیقـت از ایـن گـروه بـه بعـد «نورپـردازی بـه معنـای طراحـی کیفـی و هنرمندانـه نـور یـک بنـا یـا فضـا کـه بـه جنبه‌هـای فرمـال و زیباشـناختی بسـتگی دارد طـرح می‌شـود. از ایـن رهگـذر نورپـردازی مفهومـی میان‌رشـته‌ای اسـت کـه بـا مفاهیـم و ایده‌هـا و حیطه‌هـای پیچیـده‌ای از انـواع رشـته‌های علـوم انسـانی و هنـری سـر و کار پیـدا می‌کنـد» (اخـوت، ۱۳۸۷: ۶۵). در ایـن اقـدام معمـاری بنـا اهمیـت پیـدا می‌کنـد و سـاختمان‌های واجـد ارزش مـورد هـدف واقـع می‌شـوند تـا بـه کمـک نورپـردازی بتـوان آنهـا را از سـایر بناهـا جـدا سـاخت، بـر آنهـا تأکیـد کـرد و بـر ارزش آنهـا افـزود. در حقیقـت ایـن اقـدام بـه نمادسـازی و شاخص‌سـازی عناصـر شـهری کمـک می‌کنـد و ضمـن ایـن اقـدام بـه هویـت، تشـخص و ایجـاد حـس مطلوبیـت در شـهر نیـز منجـر می‌شـود (تصاویـر ۱و ۲). در حقیقـت بـا نورپـردازی عناصـر شـاخص و روح‌بخشـی بـه موضوعـات و منظـر شـهر درک بهتـری از شـهر بـا تأکیـد بـر سـاختار شـهر صـورت می‌گیـرد (سـانتن، ۱۳۹۳). نورپـردازی در ایـن گـروه یـا وابسـته بـه طراحـی اسـت کـه مقولـه نـور بنـا یـا هـر عنصـر دیگـر در شـب حیـن طراحـی درنظـر گرفتـه می‌شـود و یـا بـه پـس از طراحـی بـرای شاخص‌سـازی برمی‌گـردد کـه می‌توانـد فرصت‌هایـی را بـرای ادامـه عملکـرد سـاختمان‌ها و اطـراف آن در شـب فراهـم کنـد. هـدف ایـن گـروه نمادسـازی، تشخص‌بخشـی بـه عناصـر و تأمیـن منزلـت آنهاسـت کـه

تصویر۱: نورپردازی برج ایفل به مثابه نشانه‌ای شاخص برای شهر پاریس. مأخذ:-http://www.macqel.be/en/traffic/achievements/lighting-in-the-city-of-paris-france

تصویر۲ : نورپردازی برج میلاد تهران با رویکرد نمادسازی. مأخذ: http://shahriziba.blogfa.com/

ضمن تأکید و تقویت بر نشانه‌بودن آنها در جهت خوانایی و جهت‌یابی بهتر نیز گام بردارد. علاوه بر بنا، تابیدن نور بر عناصر زیبایی‌آفرین شهری همچون نقاشی، مجسمه، آب‌نما و پل و بازتاب نور از آنها ضمن تأکید بر زیبایی تأثیری عمیق بر فضای شهری پیرامون نیز دارد. این گروه، رویکرد غالب نورپردازی شهرهای امروز ماست که با بکارگیری آن بر تزیین و آرایش فضاهای شهری اهتمام می‌ورزد.

در این اقدام نیز شهروندان به عنوان مخاطبان ضمن بهره‌مندی از تأثیرات آن در فضای شهری و خوانایی شهر، از اثرات زیباشناسانه آن در راستای ارتقای سطح کیفی- بصری عناصر فضای شهری نیز متأثر می‌شوند. باید یادآور شد مخاطبان این گروه نیز صرفاً تماشاگرانی هستند که لذت بصری آنها ضمن شناساندن هویت شهر به آنها مورد هدف قرار گرفته است.

•خلق اثر هنری

استفاده از نور در خلق آثار هنری، ابتدا از گالری‌ها و فستیوال‌های هنری شروع شد. هنرمندان با استفاده از نور، آثاری خلق می‌کردند که از یک بدنه تا طراحی هنری یک حجم را در بر می‌گرفت. امروزه تکنیک‌ها و امکانات جدید در حوزه نورپردازی این امکان را فراهم می‌کند که نورپردازی با هدف خلق اثر هنری انجام شود تا موجبات سرزندگی شهرها را فراهم آورد. در بسیاری از موارد یک سطح ساده را می‌توان به وسیله نورپردازی تبدیل به یک اثر هنری کرد. یکی از رویدادهای مهم نورپردازی با هدف خلق اثر هنری، وجود جشنواره‌های نورپردازی است (پورفتح‌اله، ۱۳۹۲: ۳۸). در این اقدام حضور هنرمندان را در خلق نورپردازی به مثابه اثر هنری شاهد هستیم که این مشارکت نه اقدامی خودجوش که الزامی است در طرح جامع نورپردازی شهرهایی چون لیون فرانسه که مشارکت هنرمندان را ضروری می‌داند و دپارتمان‌های هنری را جهت پرداختن به این مقوله اختصاص می‌دهند. در دو اقدام پیشین که خوانایی فضا و تقویت عناصر خوانشی آن مورد توجه بود در این رویکرد تعریف فضا با نور به مثابه یک اثر هنری مطرح می‌شود (تصویر۳).

نمونه دیگر این اقدام پروژه «آچه»[۲] از خیابان‌های قدیمی شهر روتردام (Rotterdam) هلند است که در سال ۲۰۰۷ شهرداری این منطقه به دنبال بهسازی فضاهای شهری از ایده‌ای نو برای نورپردازی خیابان استفاده کرد. رودولف تنیزن (Rudolf Teunissen) طراح نورپرداز و هنرمند هنرهای تجسمی، با مشاورهٔ فیلیپ استمولِر (Philip Stemuller)

محقـق در زمینـه نـور، ایـدۀ نورپـردازی شکسـته را بـرای ایـن خیابـان ارائـه کـرد. تنیـزن معتقـد اسـت : در ادراک فضـا، مـا بـه دنبـال معنـای نـور هسـتیم تـا تجربـۀ مـا از یـک فضـا را شـکل دهـد. او راه‌حل‌هـای تخیلـی و هنـری را، هـم بـرای رفـع نیازهـای عملـی و فیزیکـی و هـم بـرای ایجـاد تصاویـر زیبـا مناسـب می‌دانـد. از ایـن رو تنیـزن بـا دیـدی هنرمندانـه بـه نـور و نورپـردازی شـهری، قایـل بـه ابعـاد فراعملکـردی نـور اسـت و بـه نظـر می‌رسـد همیـن نـوع نـگاه خـاص او موجـب موفقیـت وی در ایـن پـروژه شـده اسـت. تنیـزِن اصطـلاح «مجسـمه اجتماعـی» کـه در تمـام نقـاط در حـالِ تعامـل بـا رهگـذران اسـت بـرای ایـن پـروژه اسـتفاده می‌کنـد. او در مـورد تفـاوت ایـن کار بـا سـایر نورپردازی‌هـا در فضاهـای عمومـی چنیـن می‌گویـد : «چیـزی کـه شـما در فضاهـای عمومـی در طـول خیابـان می‌بینیـد روشـن شـدن عملکـردی مسیرهاسـت، بـدون اینکـه لهجـه یـا زبـان خودشـان را داشـته باشـند و تجربـه یـا هویـت خاصـی را القـا کننـد». بـه عبـارت دیگـر، وی ایـن خیابـان را ترکیبـی از «نـور، هویـت و تجربـه» می‌دانـد (جمشـیدیان، ۱۳۹۱)؛ (تصویـر۴).

در ایـن اقـدام شـهروندان بـا پروژه‌هـای نورپـردازی بـه مثابـه اثـر هنـری مواجـه می‌شـوند، امـا همچنـان نقـش تماشـاگرانی دارنـد کـه سـوژۀ مؤلـف (هنرمنـد) بـر آنهـا تحمیـل می‌شـود و بـا وام‌گیـری از قـول «رولان بـارت» در نوشـتار «از اثـر تـا متـن» می‌تـوان گفـت آثـار نورپـردازی بـه مثابـه «واقعیـت» بـه تماشـاگران نمایـش داده می‌شـود. در ایـن اقـدام پروژه‌هـای نورپـردازی اگرچـه بـه مثابـه هنـر تلقـی می‌شـوند، امـا آثـاری هسـتند کـه بـه گـرد مدلولـی مشـخص و آشـکار حلقـه زده‌انـد.

در حقیقـت آثـار هنـری در ایـن اقـدام بـه موضوعـات نورپردازی تبدیـل شـده‌اند و فهـم آنهـا تابـع تفسـیر شـهروندان اسـت. همچنیـن در ایـن گـروه نورپردازی‌هـا، آثـاری هسـتند کـه از قانـون تک‌سـخنی و تک‌معنایـی بـر فراینـد انشـعاب و اسـناد متکـی هسـتند؛ همان‌طـور کـه در پـروژه آچـه هـدف دسـتیابی بـه معنـای نـور بـود. بـه معنـای دیگـر نقـش هنرمنـدان در ایـن گـروه بـه عنـوان مؤلفـان، از اهمیتـی احترام‌آمیـز برخـوردار اسـت. آثـار نورپـردازی در ایـن گـروه بـه معنـای متعـارف رولان

تصویر۳ : نورپردازی جشـنواره لیون پاریس به مثابه یک اثر هنری. مأخذ: http://www.breitbart.com/national-security/2014/12/10/french-christians-bring-lyon-s-festival-of-lights-to-erbil-in-solidarity-with-iraqi-christians/

تصویر۴ : نورپردازی خیابان آچه نوتردام به مثابه یک اثر هنری. مأخذ : جمشـــیدیان، ۱۳۹۱.

بارتـی، موضـوع یـا شـیئی اسـت کـه توسـط شـهروندان مـورد مصـرف خوانـدن قـرار می‌گیـرد و ایـن کنـش شـهروندان کـه مبتنـی بـر مصـرف اسـت لذتـی تمـام و کمـال بـه مخاطـب القـا نمی‌کنـد و تنهـا لـذت ناشـی از مصـرف را تجربـه می‌کنـد. بـه طـور کلـی مخاطـب اگرچـه در ایـن اقـدام همچنـان تماشـاگر مصرف‌کننـده اسـت امـا بـا یـک اثـر هنـری مواجـه اسـت. جـای خالـی ایـن رویکـرد در شـهرهای مـا بـه شـدت احسـاس می‌شـود درحالـی کـه در مناسـبت‌ها، اعیـاد و همچنیـن ایـام عـزاداری می‌تـوان از آن بهـره بـرد و سـطح سـواد و لـذت بصـری شـهروندان را ارتقـا بخشـید.

•خلق متن هنری

می‌تـوان گفـت اقـدام چهـارم بـه دنبـال اتفاقاتـی بـه وجـود آمـد کـه در حـوزه هنـر و تکامـل خیره‌کننـده تکنولوژی‌هـای ارتباطـات و بسـط رسـانه‌های جدیـد شـکل گرفـت و بحـث تعامـل بـه عنـوان یکـی از کارایی‌هـای رسـانه‌های دیجیتـال مطـرح شـد. لازم بـه ذکـر اسـت کلمـه تعامـل در طـول زمـان تکامـل یافتـه اسـت. از ایدئولـوژی پاسـخ بـه محرک‌هـا و بـه اشـتراک‌گذاری تجربیـات تـا فعالیت‌هـای مبتنـی بـر فنـاوری. ایـن انتقـال بـه شـدت تحـت تأثیـر تغییـرات متـن اجتماعـی- فرهنگـی اسـت و هـدف از تعامـل انسـان بـا فضا شـناخت بیشـتر خـود اسـت (Fischer, et al. 2012).

بـا بنیـان جامعه‌شناسـی بـه عنـوان یـک علـم در اوایـل قـرن ۲۰، ایـدۀ تعامـل درخصـوص فرایندهـای اجتماعـی بـکار گرفتـه شـد. در آلمـان «گئـورگ زیمـل» بـرای اولیـن بـار اصطـلاح تعامـل (Wechselwirkung) را بـرای توصیـف روابـط فـردی بـه کار برد. در گفتمـان آنگلوساکسـونی نیـز جـرج هربـرت میـد (George Herbert Mead) و ادوارد راس (Edward Alsworth Ross) از تعامـل اجتماعـی و تعامـل انسـانی سـخن بـه میـان آوردنـد و دانشـجوی هربـرت میـد در سـال ۱۹۳۷ از اصطـلاح تعامـل نمادیـن در مقابـل نظریـه محـرک ـ پاسـخ بهـره می‌گیـرد و براسـاس آن تعامـل اجتماعـی را اساسـاً فراینـد ارتباطـی می‌دانـد کـه در آن مـردم تجربیـات خـود را بـه اشـتراک می‌گذارنـد بـه جـای یـک بـازی رفـت و برگشـتی از تحریـک و پاسـخ (Sommerer, et al, 2008).

رویکردهـای تعاملـی بـه دنبـال بازتعریـف حیـات اجتماعـی و ارتباطـات مردمـی کـه در دوران مـدرن خدشـه‌دار شـده بـود، شـکل می‌گیـرد. در دوران بعـد از پسامدرنیسـم کـه «هـوارد

رایلی» به آن نام آلتر مدرنیسم می‌دهد، ژاک رانسیه از تغییر گفتمان‌ها و گرایشات هنری در این دوران خبر می‌دهد که از اصول چهارگانه آن مواجهه (encounter) است. رانسیه آن را متناظر با هنر ارتباطی نیکلاس بوریو، نظریه‌پرداز حوزه زیبایی‌شناسی ارتباطی، می‌داند؛ جایی که هنرمند در آن بازدیدکنندگان را دعوت به فعالیت می‌کند- و رایلی از آن به فراخوان جمعی (call together) تعبیر می‌کند- تا با نوعی از رخداد مواجه شوند، در آن شرکت کنند و به نوعی با آن ارتباط برقرار کنند (نک.Riley, 2013).

در دوران جدید هنرمندان به طرح مسائل انانی و اجتماعی گرایش وسیعی پیدا کردند. به عبارت دیگر هنر جدید به دلیل همین خصلت موضوع‌گرای خود، درواقع واکنشی است علیه بی‌تفاوتی‌های ذاتی و جوهرهٔ بی‌تعهد هنر مدرن، که شکل غایی آن در هنر مینیمال ظاهر شد. گرایش مفرط هنر مدرن به تکنیک و مفاهیم هنری، آن را به طور جدی از پرداختن به مسایل انسانی و اجتماعی بازداشت، تاجایی که هنر فقط به خودش مقید بود و بس (اسمیت، ۱۳۸۲: ۱۰). بنابراین حضور هنرهای تعاملی در شهر زمینه خوبی برای هنرمندان، معماران و شهرسازان در راستای تأمین اهداف حیات شهرنشینی مبتنی بر تعاملات اجتماعی شد که از جمله این موارد مسئله تعاملی‌بودن نمای ساختمان‌ها با محیط اطراف و مردم است. امروز صاحبنظران معتقدند فضاهای عمومی در سطح شهر باید بتواند فرصت تعامل اجتماعی و تعامل مردم با فضا و محیط اطراف را ایجاد کنند. با استفاده از دانش نورپردازی دیجیتال، نماها و جداره‌های شهری به عنوان امکانات هنر جدید می‌توان زمینه‌ای فراهم کرد تا از طریق آن با مردم و به خصوص ساکنان آن محدوده مؤثرترین تعامل را برقرار ساخت و روز به روز جمعیت شهری متنوع‌تر را دور هم جمع کرد. نورپردازی تعاملی باعث می‌شود شاخص‌های اجتماع‌پذیری مکان و تعاملات اجتماعی مردم بیشتر شود (پورفتح‌اله، ۱۳۹۲: ۴۱).

سیستم کلیک بزرگترین چیدمان نورپردازی تعاملی در مرکز تجاری سیدنی است. شامل یک نمای دیجیتال است که با امکاناتی که در طراحی نور و تغییر آن برای افراد مختلف وجود دارد، به صورت یک نمای تعاملی عمل می‌کند. بازدیدکنندگان و افراد محلی در شکل‌گیری نورپردازی آن نقش دارند. در روزهای تعطیل، کنسول‌های تعاملی در پارک قرار دارد که به مردم این امکان را می‌دهد تا با انتخاب رنگ، طراحی دیجیتال خود را بر روی نمای ساختمان به نمایش گذارند. همچنین مشاهده‌کنندگان وب سایت این ساختمان، می‌توانند از طریق اینترنت، در شکل‌گیری طرح‌های این نمای تعاملی شرکت داشته باشند (همان: ۹۰و۹۱)؛ (تصویر ۵).

مخاطبان در این رویکرد تشویق می‌شوند به صورت فیزیکی و مستقیم ایجاد نور خود را تجربه کنند. شاید بتوان گفت در این گروه با مداخلات نورپردازی مواجه هستیم به این معنا که«نورپردازی به یک بنا یا فضای شهری اکتفا نمی‌کند یا به طور کامل به این امر نمی‌پردازد، بلکه با شیوه حضور خود، زمینه انواع مشارکت عمومی را در فعالیت‌های نوری یک فضای شهری فراهم می‌کند» (اخوت، ۱۳۸۷: ۶۵).

دلیل اینکه این گروه را به دسته خلق متن هنری نام‌گذاری کردیم به دلیل این است که پذیرفته‌ایم هنرهای تعاملی و در این مورد نورپردازی تعاملی یک متن هنری است (برای اطلاع بیشتر نک. رهبرنیا و خیری، ۱۳۹۲). نورپردازی تعاملی به مثابه یک متن هنری اموری هستند که برخلاف آثار هنری دسته پیشین که به نمایش گذاشته می‌شوند، نشان داده می‌شوند. به این معنا که براساس نوعی تولید تجربه می‌شوند و امری پارادوکسیکال است که خلاقیت و آزادی را به مثابه ویژگی‌های مدنی منجر می‌شود. هدف از این نورپردازی‌ها به عنوان متن هنری تبیین معنای آنها نیست بلکه مخاطب در یک فرایند زبانی با تأخیر و تعویق مدلول‌ها مواجه می‌شود. در این اقدام به تعداد و تنوع مخاطبان براساس تفاوت‌هایشان معناهای متکثر تولید می‌شود و همین روند لذتی سرشار از سرخوشی را به مخاطبان القا می‌کند که می‌تواند خود در شکل‌گیری منظر سلامت شهروندان مؤثر بیفتد. همان‌طور که هنر تعاملی از جنبه نظری، پدیدارشناسانه و تجربی، فرمی از یک رخداد است و هنرمند یک اثر تمام‌شده را ارایه نمی‌دهد بلکه بستری را برای فعالیت دریافت‌کنندگان فراهم می‌کند می‌توان نورپردازی تعاملی را از یک رخداد نام برد که شکل نهایی آن منتج از رفتار مشارکتی تماشاگران است (Kluszczynski, 2010). مخاطبان در این گونه متون هنری در یک رخداد اجتماعی از سیطره تسلط هنرمند خارج شده و در ظرف بازی، تولید و فعالیت گرد هم می‌آیند و به شکل‌گیری فضایی برای تعاملات اجتماعی خود کمک می‌کنند. در این گونه مانند هنر تعاملی که آخرین بیانیه«مرگ مؤلف» است و هنرمند تعاملی تنها یک بسترساز است که زمینه و موقعیت را فراهم می‌کند و سپس ناپدید می‌شود و تماشاگر تبدیل به کاربر می‌شود و معنا در لحظه تعامل خلق می‌شود (Huhtamo, 1995) در پروژه‌های نورپردازی تعاملی نیز دیگر با حاکمیت ایده هنرمندان همچون پروژه‌های گروه قبلی سروکار نداریم.

تصویر۵ : نورپردازی سیستم کلیک سیدنی که تعامل شهروندان بدون درنظرگرفتن گروه سنی را فرامی‌خواند. مأخذ: http://www.cardinalspin.com.au/project/luminous-at-darling-quarter

در دوران جدید از لوازم وابستگی ابژه هنری به تکنولوژی می‌توان خروج هنر از فضایی محدود به فضایی گسترده را ذکر کرد. این خروج سبب می‌شود ابژه‌های هنری اشیا دور از دسترس مخاطبان و انحصاری نباشند، بلکه با حداقل هزینه در اختیار عموم قرار گیرند و فرهنگ عمومی نیز الهام‌بخش آثار هنری شود. علاوه بر این هنرمندان نیز امکان ارتباط مستقیم را با مخاطبان خود بیابند. این تعداد از مخاطبان و این نحوهٔ ارتباطی هنرمند با مخاطبان صرفاً از طریق رسانه‌های جدید امکان ظهور یافت و پیش از آن هرگز وجود نداشت (نصری، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۳۴).

در صورتی می‌توان یک نورپردازی را مشارکتی- تعاملی نامید، که مخاطب بتواند نمایشگری اثر را تغییر دهد. از این‌رو، آنچه مخاطبِ یک نورپردازی«مشارکتی-تعاملی» در مواجهه با اثر انجام می‌دهد، که همان ایجاد تغییر در «نمایشگری»اثر است، با آنچه مخاطب یک نورپردازی غیرِمشارکتی/تعاملی (یا یک اثر هنری) به آن مبادرت می‌ورزد، که همان تفسیر و تأویل ذهنی اثر است، از بنیاد متفاوت است (با بهره‌گیری از قادری و مراثی، ۱۳۹۳ به نقل از Lopes, 2010: 84). به دیگر سخن، شهروندان در تعامل با پروژه نورپردازی است که بر مفهوم و ایده آن واقف می‌شوند.

بنابراین کنش«فیزیکی و واقعی» مخاطبان برای تغییر نمایشگری اثر اهمیت پیدا می‌کند. دریافت متن منوط به تعامل با آن است که در این راستا درگیری مخاطبان به صورت فیزیکی و فعالانه و با میانجی‌گری واسطه‌ای رایانه‌محور صورت خواهد پذیرفت (با بهره‌گیری از قادری و مراثی، ۱۳۹۳).

در نورپردازی تعاملی هنرمند فضای بازی را برای مخاطب ایجاد می‌کند و برای اثرش شکل و فرم نهایی درنظر نمی‌گیرد بلکه در تعامل مخاطب با اثر است که فرم نهایی آن تعیین می‌شود و این موضوع برای هر مخاطب شکل متفاوتی می‌گیرد (نک. حسینقلی، ۱۳۹۱). هنرهای تعاملی معاصر به حذف سوژه یا به تعبیر دیگر به مرگ سوژهٔ هنرمند می‌انجامند. به طور کلی در این اقدام تماشاگران منفعل به کاربران فعال تبدیل می‌شوند و از جایگاه همیشگی خود به عنوان یک مصرف‌کننده هنری بیرون می‌آیند و تبدیل به یک شرکت‌کننده فعال هنری می‌شوند. «اصولاً متنی «تعاملی» است که فرد بتواند

مستقیماً در آن مداخله کند و تصاویر و نوشته هایی را که میبینند تغییر دهد. پس مخاطبان رسانه جدید برخلاف تماشاگران هنرهای تجسمی، فیلم و تلویزیون، یا خوانندگان ادبیات، «کاربر» هستند» (جاوید صباغیان و حسنایی، ۱۳۹۱: ۷۲).

به طور کلی تفاوت عمده نورپردازی تعاملی با نورپردازی‌های ایستا در قابلیت همخوانی با شرایط محیطی و خواست کاربر است، آن گونه که در هر لحظه سعی می‌کند خود را با آن چیزی که باید باشد هماهنگ کند. این هماهنگی باعث می شود که مخاطب حس الفتی خاص نسبت به نورپردازی پیدا کند، از این رو می‌توان این نوع از نورپردازی را نورپردازی زنده (Live) یا هوشمند (smart) نیز می‌نامند (توانایی جبارزاده، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

شهر در شب با حضور انسان تعریف می‌شود از این‌رو نوع نورپردازی در فضاهای شهری می‌تواند تأثیرات متنوعی بر منظر شبانه و حیات شهری داشته باشد. پتانسیل‌های متنوع پدیده نورپردازی شهر در شب می‌تواند نقش شهروندان به عنوان مخاطبان را از مصرف‌کننده و تماشاگر صرف به بازیگر، کاربر و تولیدکننده ارتقا دهد. همان‌طور که از مقاله برداشت می‌شود چهار مرحله تکاملی را می‌توان برای تحولات نورپردازی برشمرد: اقدامات صرفاً عملکردی و روشنی‌بخش شهر که به دنبال تأمین ایمنی و خوانایی هرچه بهتر ساختار شهر در شب به وجود آمدند؛ اقدام دوم به بحث تزیین و نمادسازی بنا و عناصر کالبدی شاخص در فضای شهر برمی‌گردد که با هدف تشخص‌بخشی و شناسایی هویت یک شهر صورت می‌پذیرد. شهروندان در این دو گروه تماشاگران منفعلی هستند که صرفاً نورپردازی را به مثابه یک شی مصرف می‌کنند. تحولات بعدی در دو گروه خلق آثار هنری و خلق متن هنری به وسیله نورپردازی شهری تقسیم شد. به دنبال اقدامات این دو گروه نیاز به همکاری و مشارکت هنرمندان با دیگر حرفه‌مندان این حوزه احساس می‌شود. مخاطبان آثار هنری همچنان شهروندان مصرف‌کننده هستند که معنای مورد نظر هنرمند را دنبال می‌کنند اما مخاطبان متون هنری و در اینجا نورپردازی تعاملی شهروندان، ساکنان و تماشاگران فعالی هستند که تولید نورپردازی شهری را تجربه می‌کنند و نقششان به کاربر تغییر می‌یابد.

در ایران نورپردازی‌ها صرفاً بر دو جنبه اول نورپردازی یعنی تأمین روشنایی و جنبه تزیینی و نمادسازی متمرکز است و متأسفانه از امکان بهره‌مندی خلق اثر هنری و نورپردازی تعاملی که می‌توانند عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی هرچه بیشتر شهروندان فراهم کنند غافل مانده‌اند. براساس بدنه مقاله متوجه شدیم که کارکرد نور در دنیای امروز تنها تأمین روشنایی و تزیین نیست، بلکه نورپردازی موجب شکل‌گیری چشم‌انداز جدیدی در عرصه‌های هنری شده است که لازم است مدیران و متولیان این امر به این مهم توجه‌ای ویژه مبذول بدارند و از این طریق بتوانند بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و بهبود ارتباطات جمعی فراهم آورند.

علاوه بر این نکته که این مقاله بدان توجه دارد، مقوله بین‌رشته‌ای بودن نورپردازی شهری در دنیای جدید مطرح است. آن‌طور که از منابع موجود در ایران برمی‌آید، این مقوله صرفاً به حوزه طراحی شهری و معماری محدود نمی‌شود و هنرمندان را نیز به مشارکت دعوت می‌کند. از این طریق هنرمندان با ایده‌های خلاقانه خود، شهروندان را به تعامل فرامی‌خوانند و روابط اجتماعی آنها را بر این اساس بهبود می‌بخشند. فضاهای تولیدشده براساس این رویکردهای نوین هنری در شهر می‌توانند سرزنده‌تر، سلامت‌تر و پویاتر از گذشته به حیات شبانه خود ادامه دهند.

پی‌نوشت

۱. روشنایی (Illumination) عبارت است از مفهومی کمی که به روشن‌کردن کاربردی و استاندارد یک فضا می‌پردازد و قابل محاسبه و اندازه‌گیری است (اخوت، ۱۳۸۷: ۶۵).

۲. این پروژه برندهٔ جوایز متعددی از جمله جایزه اول مسابقه انجمن بین‌المللی طراحان روشنایی (IALD) در سال ۲۰۱۲ و جایزه دوم مسابقه نورپردازی شهر، مردم، شب (City.People.Light) در سال ۲۰۱۱ شده است.

فهرست‌منابع

• اخوت، آرش. (۱۳۸۷). *طرح جامع نورپردازی شهر شیراز: روش‌ها، رویکردها، نظرگاه‌ها*. مجموعه مقالات نخستین همایش و نمایشگاه بین‌المللی نورپردازی شهری. تهران: سازمان زیباسازی با همکاری گروه شهرشناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۶۴-۷۵.

• اسمیت، لوسی. (۱۳۸۲). *جهان‌شدن و هنر جدید*. ترجمه : علیرضا سمیع‌آذر. تهران: نظر.

• امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۷). *نورپردازی شهری و نقش آن در طراحی مناظر شفابخش*. مجموعه مقالات نخستین همایش و نمایشگاه بین‌المللی نورپردازی شهری، تهران: سازمان زیباسازی با همکاری گروه شهرشناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۷۸-۸۷.

• بارت، رولان. (۱۳۷۳). از اثر تا متن. ترجمه: مراد فرهادپور. *مجله ارغنون*، (۴): ۵۷-۶۶.

• بخشی، علی. (۱۳۸۷). هنر جدید: هنر نو در تعریف مناقشه. *مجله تندیس*، (۱۲۶):۱۸.

• پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۷). *نورپردازی شهری و ملاحظات طراحی شهری*. مجموعه مقالات نخستین همایش و نمایشگاه بین‌المللی نورپردازی شهری. تهران: سازمان زیباسازی با همکاری گروه شهرشناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۵۶-۶۳.

• پاکزاد، جهانشاه و سوری، الهام. (۱۳۹۱). *راهنمای نورپردازی مکان‌های شهری*. تهران : آرمان‌شهر.

• پور فتحاله، مائده. (۱۳۹۲). *طرح پژوهشی تعیین معیارهای مطلوبیت نماهای شهری در منظر شبانه شهر تهران*. کارفرما: سازمان زیباسازی شهر تهران- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه.

• توانایی جبارزاده، علی. (۱۳۹۲). *نورپردازی اینتراکتیو (Interactive) و فرش هوشمند*. قابل دسترس در: www.iran-lighting.com (تاریخ دسترسی ۱۲/۱/۹۴)

• جاوید صباغیان، مقداد و حسنایی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بازی رایانه‌ای در مقام متن هنری: بررسی و تحلیل وضعیت مواجهه با بازی‌های رایانه‌ای به مثابه آثار هنری. *نشریه هنرهای زیبا* (هنرهای نمایشی و موسیقی)، ۱۷ (۲): ۶۹-۷۷.

• جمشیدیان، محمد. (۱۳۹۱) احیای خیابان آچه با نورپردازی شکسته. *مجله منظر*، (۲۱): ۵۲-۵۵.

• حسینقلی، فاطمه. (۱۳۹۱). موشن‌گرافیک در فضاهای شهری. *مجله هنرهای تجسمی نقش‌مایه*، ۵ (۱۳): ۹۳-۱۰۲.

• دهقانی، آزاده. (۱۳۸۷). هنر جدید : واقعیت مجازی زمینه‌ساز هنر تعاملی. *تندیس*، (۱۲۳):۱۴.

• رهبرنیا، زهرا و خیری، مریم. (۱۳۹۲). هنر تعاملی به مثابه یک متن. *مجله جهانی رسانه-نسخه فارسی*، ۸ (۱): ۹۲-۱۱۳.

• سانتن، کریستافان. (۱۳۹۳). *نورپردازی نواحی شهری*. ترجمه : کاوه احمدیان و پریسا مقصود. تهران : هنر معماری قرن.

• سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۷). *نورپردازی فضاهای فرهنگی*. مجموعه مقالات نخستین همایش و نمایشگاه بین‌المللی نورپردازی شهری. تهران: سازمان زیباسازی با همکاری گروه شهرشناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۴۴-۵۵.

• سوری، الهام. (۱۳۹۳). *نورپردازی اعیاد و مناسبت‌ها*. تهران: هنر معماری قرن.

• قادری، عرفان و مرائی، محسن. (۱۳۹۳). پژوهشی در تعریف و تحدید انواع هنرهای مشارکتی- تعاملی، *مجله جهانی رسانه نسخه فارسی*، ۹ (۱): ۱۹۲-۲۲۷.

• نصری، امیر. (۱۳۹۰). مرگ سوژه در هنر جدید رسانه‌ای. *مجله مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱ (۲): ۱۳۱-۱۴۵.

• Fischer, T., De Biswas, K., Ham, J.J., Naka, R ., Huang, W.X. (2012). *Spatial Personality for Human Space Interaction, Beyond Codes and Pixels*. Proceedings of the 17th International Conference on Computer-Aided Architectural Design Research in Asia: 78–69.

• Huhtamo, E. (1995). Seven Ways of Misunderstanding Interactive Art: An Imaginary Dialogue," in: Digital Mediations, Exhibition Catalogue (Pasadena: Art Center College of Design, Alyce de Roulet Williamson Gallery), available from: http://sophia.smith.edu/course/csc106/readings/interaction.pdf (accessed 2015/05/05)

• Kluszczynski, W. R. (2010). Strategies of interactive art, Journal of Aesthetics & Culture, Vol. 2, DOI: 10.3402/jac.v2i0.5525.

• Riley, H. (2013). Visual art and social structure: the social semiotics of relational art, Visual Communication, 216–207 :(2)12.

• Sommerer, C., et al (2008). The Art and Science of Interface and Interaction Design – vol. 1, Studies in Computational Intelligence, vol. 141 Heidelberg: Springer Verlag.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوه ارجاع به این مقاله

عادلوند، پدیده. (۱۳۹۷). تحولات نورپردازی شهری. *مجله منظر*، ۱۰ (۴۲): ۲۲-۳۱.

DOI: 10.22034/manzar.2018.63127
URL: http://www.manzar-sj.com/article_63127.html